استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

بخارِ شیء نجس

س) حکم بخارِ شئ نجس چیست؟ اگر همین بخار تبدیل به مایع شود آیا مایع به وجود آمده، نجس است؟

ج) بخار و مایعی که بدان تبدیل شده، پاک است.

تغییر سال خمسی

س) سال گذشته در اول فروردین که سال خمسی بنده است محاسبه خمس انجام شده و پرداخت شد ولی اولین درآمد پس از سال خمسی را مورخ سی‌ام فروردین به دست آوردم؛ آیا برای سال بعد می‌توانم سال خمسی خود را به آخر فروردین تغییر دهم؟

ج) اشکال ندارد.

شنیدن آیه سجده‌دار در نماز

س) اگر کسی در هنگام ادای نماز واجب یا مستحب، آیه سجدهٔ واجب را بشنود چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا سجده نماز، جایگزین سجدهٔ واجب می‌شود؟

ج) در نماز واجب با گوش دادن به آیه سجدهٔ واجب، برای سجده اشاره کند و نماز را ادامه دهد (سجده نماز جایگزین آن نمی‌شود) و در نماز مستحب با گوش دادن به آیه سجدهٔ واجب، سجده را به صورت معمول انجام داده و نماز را ادامه دهد؛ نماز در هر دو صورت صحیح است.

برگشتن از قصد اقامت ده روز

س) اگر مسافری که قصد کرده ده روز در مکانی اقامت کند، از قصدش برگردد یا مردد شود؛ وظیفه‌اش نسبت به نمازهای قبل و بعد چیست؟

ج) اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی یومیه ادایی، از قصدش برگردد یا مردّد شود، نمازش شکسته است ولی اگر پس از خواندن آن، از قصدش برگردد یا مردد شود تا زمانی که در آنجا اقامت دارد، نمازش تمام بوده و نمازهای قبلی هم صحیح است.

سرایت نجاست به واسطه رطوبت

س) اگر تمام بدن خیس باشد، در صورتی که قسمتی از یکی از اعضای بدن نجس شود؛ آیا شستن همه بدن لازم است؟

ج) شستن همان قسمتی که نجس شده، کافی است.

مالک بودن زن به زیورآلات

س) آیا زیورآلات طلا که شوهر برای همسرش می‌خرد، از اموال شوهر محسوب می‌شود، به طوری که بعد از وفاتش جزء ارث او می‌شود و باید بین ورثه تقسیم شده و همسر او نیز سهم خود را می‌برد؛ یا آنکه مِلک زوجه است؟

ج) اگر جواهرات در اختیار و تحت تصرّف همسرش باشد، به طوری که در آنها تصرّفات مالکانه داشته باشد، حکم به ملکیّت آن جواهرات برای او می‌شود، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

استطاعت زن برای حج با وجود زیورآلات

س) زنی که مقداری زیورآلات طلا برای زینت داشته باشد، که در صورت فروش آنها، مستطیع می‌شود؛ و از طرفی، مال آنچنانی دیگری هم ندارد، آیا زیورآلات زنان از حکم استطاعت خارج است، یا باید آنها را بفروشد و مستطیع شود؟

ج) اگر به زیورآلات نیاز داشته باشد و اضافه بر شأن او نباشد، با داشتن آن مستطیع نیست؛ و واجب نیست آن را برای هزینه سفر حجّ بفروشد.

قناعت، کلید رستگاری

منصور حسینی

حقیقت قناعت، اطمینان به قسمت مقدر و رضایت به قضای الهی به‌ویژه در امور مالی و مراعات اعتدال در مصرف و اجتناب از افراط و اسراف است.

مفهوم قناعت و ارزش و اهمیت آن

واژه قناعت از ماده «قنع» در لغت، به معنای رضایت انسان به قسمت مقدر و روزی مقسم از سوی خدا است: قَنَع: رضی بما قُسِمَ له. البته برخی آن را رضایت به کم و اندک یا به معنای اکتفا کردن به اندک از آنچه مورد نیاز انسان است یا اکتفا کردن به اندک و ضداسرافکاری تعبیر کرده اند.

از همین‌رو برخی در تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند: قناعت، رضایت به کم و حسن‌تدبیر معاش است بدون دوست داشتن زیاده از حد زندگانی و اعتدال است.

قناعت در اصطلاح اخلاق اسلامی صفتی نفسانی است که با تکرار و تمرین در انسان به‌صورت ملکه‌ای در می‌آید که باعث راضی شدن به چیز کم و نگه داشتن نفس از زیاده‌خواهی می‌شود.

به نظر می‌رسد که قناعت اسم جامع برای فضائل اخلاقی دیگر است. از همین‌رو برای تحقق قناعت لازم است تا شاخص‌ها ومؤلفه‌های دیگری تحقق یابد تا انسان به حقیقت قناعت دست یابد و متخلق بدان شود؛ زیرا قناعت در تفسیر تبیینی معصومان(ع) ناظر به اموری است که در ساختار «یقین، شکر، صبر، عدالت، عزت‌نفس» و مانند آنها تحقق می‌یابد؛ چراکه تا انسان به یقین نسبت به مشیت حکیمانه و عادلانه الهی نرسد، مطمئن به مقدرات و قسمت و راضی به قضای الهی نمی‌شود؛ چنان‌که بدون شکر حقیقی یا صبر در مصیبت‌ها یا عدالت و اعتدال در مصرف، یا روحیه بی‌نیازی و صرفه‌جویی و مانند آنها نمی‌توان سخن از ملکه یا شاکله قناعت در شخصی کرد؛ همچنین لازم است برای تحقق امر قناعت از بسیاری از امور چون «اسراف، تبذیر، حرص» و مانند آنها رها شد تا این صفت و خصلت در انسان تحقق یابد.

چنان‌که گفته شد، قناعت اسم جامع است که فضائل و مکارم اخلاقی دیگری را تحت زیرشاخه‌های خود قرار می‌دهد یا با آنها همپوشانی دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که تحقق قناعت به تحقق فضائل و مکارم است که از جمله آنها «شکر» است. از همین‌رو امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: أشْکَرُ الناسِ أقْنَعُهُم و أکْفَرُهُم لِلنِّعَمِ أجْشَعُهُم؛ شاکرترین مردم، قانع‌ترین آنهاست و ناسپاس‌ترین آنان از نعمت‌ها، آزمندترین آنها.(بحارالأنوار، ج ۷۷، ص ۴۲۲، حدیث ۴۰) بنابراین، قناعت صفت و خصلتی نفسانی و باطنی است که آثار آن در ساحات گوناگون از جمله اقتصادی بروز و ظهور می‌کند تا جایی که نفس قانع، به مقدار حاجت و ضرورت از نیازهای مادی اکتفا می‌کند؛ زیرا قانع بیش از هرچیز، فقط به خداوند متعال متکی بوده و به هرچه در اثر قدر و قضای الهی در اختیار دارد، راضی است و با عزت نفس و آبرومندی زندگی می‌کند و هیچ‌گاه چشمداشتی به دیگران نداشته و از نداشتن امور مادی و کمبودها اندوهگین یا حسرت‌زده نمی‌شود.

پیامبر خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تفسیری ضمن ارزشگذاری نسبت به قناعت، طمع یعنی درخواست چیزی که مستحق آن نیست را ضد قناعت دانسته و طمعکار را بدترین امت خویش در برابر قانع معرفی می‌کند و می‌فرماید: خِیارُ أُمّتی، القانِعُ و شِرارُهُمْ، الطامِعُ؛ بهترینان امّت من، قناعت‌کنندگان و بدترینان آنها، طمعکاران هستند.(کنز العمّال: ۷۰۹۵)

همچنین آن حضرت می‌فرماید: طوبی لِمَن ذَکَرَ المَعادَ و عَمِلَ للحِسابِ و قَنِعَ بالکَفافِ و رَضِیَ عنِ اللّهِ؛ طوبی و خوشا به حال کسی که به یاد قیامت باشد و برای روز حساب کار کند و به کفاف زندگی قانع و از خدا خشنود باشد.(نهج‌البلاغهٔ: حکمت ۴۴)

به نظر می‌رسد که این چهارگانه با هم ارتباط و پیوند استواری دارند و نمی‌توان از قناعت سخن گفت و شخص را فاقد ذکر معاد و آخرت یا عمل برای آن یا فاقد رضایت به قضا و قدر الهی دانست. امیرمؤمنان علی(ع)- درباره خبّاب بن اَرَت ـ فرمود: یَرحَمُ اللّهُ خَبّابَ بنَ الأرَتِّ؛ فلقد أسلَمَ راغِبا وهاجَرَ طائعا و قَنِعَ بالکَفافِ و رَضِیَ عنِ اللّهِ و عاشَ مُجاهِدا؛ خداوند خباب بن اَرَتّ را بیامرزد؛ که با رغبت مسلمان شد و با طیب خاطر هجرت کرد و به کفاف زندگی قانع و از خدا خشنود بود و مجاهد زیست.(نهج‌البلاغهٔ: حکمت ۴۳)

مؤمن باید خود را به مکارم اخلاقی از جمله قناعت بیاراید و این کار را با تمرین و تلقین انجام دهد؛ زیرا تخلق به مکارم اخلاقی از جمله قناعت بسیار دشوار است و قناعت جزو معدود مکارم اخلاقی است که کمتر کسی بدان آراسته می‌شود؛ از همین رو برای تخلق به آن باید مجاهدت کرد؛ چنان‌که امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: ألهِمْ نفسَکَ، القُنوعَ؛ قناعت را به نفس خود، تلقین کن.(بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۹، حدیث ۶۴)

انسانی که از حقیقت مکارم اخلاقی بهره‌مند شده، اهل قناعت است؛ امام علی(ع) می‌فرماید: نِعمَ الحَظُّ، القَناعَةُ؛ قناعت، نیکو حظ و بهره‌ای است.(غررالحکم: ۹۸۸۷)

از نظر آموزه‌های قرآن، طمع و حرص نسبت به امور مادی و دنیوی، جزو زشت‌ترین خصلت‌های آدمی است که نه‌تنها انسان را به دنیاگرایی وا می‌دارد، بلکه آرامش و اطمینان را از او می‌گیرد تا جایی که همواره در خوف و حزن نسبت به آینده و گذشته است. بنابراین، لازم است تا انسان جلوی طمع و حرص را با خصلتی چون قناعت بگیرد. امیرمؤمنان علی(ع)- در پاسخ به سؤالی از آیه «فلنحیینّه حیاةً طیّبةً»- فرمود: هِی، القَناعَةُ؛ مقصود از حیات طیبه و زندگی پاک و گوارا، قناعت است.(نهج‌البلاغهٔ: حکمت ۲۲۹)

از نظر آموزه‌های قرآن، طمع و حرص نسبت به امور مادی و دنیوی، جزو زشت‌ترین خصلت‌های آدمی است که نه‌تنها انسان را به دنیاگرایی وا می‌دارد، بلکه آرامش و اطمینان را از او می‌گیرد تا جایی که همواره در خوف و حزن نسبت به آینده و گذشته است. بنابراین، لازم است تا انسان جلوی طمع و حرص را با خصلتی چون قناعت بگیرد. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: از حرص خود با قناعت، انتقام بگیر، همچنان‌که از دشمنت با تقاصّ، انتقام می‌گیری.

اصولا دستیابی به حیات طیب در دنیا و خصوصا در آخرت تنها برای کسانی است که دارای مکارم اخلاقی باشند و متخلق بدان شده و شاکله شخصیتی و ملکات ایشان بدان آراسته شده باشد. امیرمؤمنان علی(ع)- در پاسخ به سؤالی از آیه «فلنحیینّه حیاةً طیّبةً»- فرمود: هِی، القَناعَةُ؛ مقصود از حیات طیبه و زندگی پاک و گوارا، قناعت است.(نهج‌البلاغهٔ: حکمت ۲۲۹)

می‌گیرد تا جایی که همواره در خوف و حزن نسبت به آینده و گذشته است. بنابراین، لازم است تا انسان جلوی طمع و حرص را با خصلتی چون قناعت بگیرد. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: انتَقِمْ مِن حِرصِکَ، بالقُنوعِ، کما تَنتَقِمُ مِن عَدُوِّکَ، بالقِصاصِ؛ از حرص خود با قناعت، انتقام بگیر، همچنان‌که از دشمنت با تقاصّ، انتقام می‌گیری.(غررالحکم: ۲۳۳۹)

فرق طمع و حرص در این است که طمع نسبت به چیزی است که ندارد و استحقاق داشتن آن را نیز ندارد؛ اما حرص نسبت به چیزی است، آن را دارد، ولی بیشتر از آن می‌خواهد که استحقاق داشتن آن را نیز ندارد. از این رو در هر دو حال شخص مستحق نیست؛ اما یکی نسبت به اصل و دیگری نسبت به زیادت آن. بنابراین، قانع کسی است که به داشته‌ها بسنده می‌کند و نسبت به بیشتر آن حرص نمی‌زند.

کسی که قناعت به داشته‌هایش داشته باشد، شاه است و نیازی به دیگری ندارد؛ چنان‌که امام علی(ع) می‌فرماید: کفی بالقَناعَةِ مُلکا و بِحُسنِ الخُلقِ نَعیما؛ قناعت پادشاهی است و خوش اخلاقی نعمت.(نهج‌البلاغهٔ: حکمت ۲۲۹)

کسی که قناعت به داشته‌هایش داشته باشد، شاه است و نیازی به دیگری ندارد؛ چنان‌که امام علی(ع) می‌فرماید: قناعت پادشاهی است و خوش اخلاقی نعمت.

بی‌گمان قناعت به داشته‌های کم، انسان را اهل توکل می‌کند و اعتماد به خدا را در شخص به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین، مؤمن باید خود را با قناعت، به مقام احسانی برساند که جزو مکارم اخلاقی است. امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: ما أحسَنَ بالإنسانِ أن یَقنَعَ بالقَلیلِ و یَجودَ بالجَزیلِ!؛ چه زیباست برای انسان که به اندک بسازد و فراوان ببخشد!(غررالحکم: ۹۶۶۰)

از آثار قناعت عفت است که خود از فضائل و مکارم اخلاقی است که خدا در قرآن اهل عفت و عفاف در هر ساحتی از جنسی و مالی و مانند آنها را ستوده است. کسی که اهل قناعت باشد، اهل عفت بلکه پاکی و پاکدامنی است؛ چنان‌که امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: مَن قَنِعَت نفسُهُ، أعانَتهُ علَی النّزاهَةِ و العَفافِ؛ هر که نفْسش قانع باشد، او را در پاکی و خویشتنداری یاری رساند. (غررالحکم: ۸۶۶۳) امام باقر(ع) در بیان سنت و سیره عملی امیرمؤمنان(ع) و قناعت طبعی ایشان می‌فرماید: أکَلَ علیٌّ(ع) مِن تَمرِ دَقَل. ثُمّ شَرِبَ عَلَیهِ الماءَ، ثُمّ ضَرَبَ علی بَطنِهِ، و قالَ: مَن أدخَلَهُ بَطنُهُ النارَ فَأبعَدَهُ اللّهُ، ثُمّ تَمَثّلَ:

فَإنّکَ مَهما تُعطِ بَطنَکَ سُؤلَهُ
و فَرْجَکَ نالا مُنتَهی الذّمِّ أجمَعا؛

علی(ع) مقداری خرمای دَقَل تناول کرد و سپس روی آن آب نوشید و بعد دستی بر شکم خود زد و فرمود: هر که آتش وارد آن کند، خدا او را دور گرداند. آنگاه به این بیت تمثّل جُست: تو هر گاه خواهش شکم و شرمگاهت را برآوری/منتهای نکوهش و رسوایی را به بار آورند.(کنزالعمّال: ۸۷۴۱ - دَقَل: پست‌ترین نوع خرما؛ القاموس المحیط، ج ۳، ص ۳۷۶) امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: أنعَمُ الناسِ عَیشا، مَن مَنَحَهُ اللّهُ سُبحانَهُ القَناعَةَ و أصلَحَ لَهُ زَوجَهُ؛ خوش‌ترین زندگی را کسی دارد که، خداوند سبحان قناعت را ارزانی‌اش دارد و همسری پاک و شایسته نصیبش گرداند.(غررالحکم: ۳۲۹۵)

چرا فرهنگ اسلامی یک فرهنگ اصیل و مستقل است؟

فرهنگ اسلامی خود یک فرهنگ ویژه و خاصی است در میان فرهنگ‌های جهان، با یک روح خاص و یک سلسله مشخصات مخصوص به خود.

برای اینکه یک فرهنگ را بشناسیم که آیا اصالت و شخصیت مستقل دارد و از روح و حیات ویژه‌ای برخوردار است و یا صرفاً التقاطی است از فرهنگ‌های دیگر و احیاناً ادامه و استمرار فرهنگ‌های پیشین است، لازم است انگیزه‌های حاکم بر آن فرهنگ، جهت و حرکت، آهنگ رشد و همچنین عناصر برجسته آن را زیر نظر بگیریم.

اگر فرهنگی از انگیزه‌هایی ویژه برخوردار باشد، جهت و حرکت مخصوص به خود داشته باشد، آهنگ حرکتش با آهنگ حرکت سایر فرهنگ‌ها متفاوت باشد، عناصر ویژه‌ای وارد کند و آن عناصر، برجستگی خاصی داشته باشد، دلیل بر این است که آن فرهنگ اصالت و شخصیت دارد.

بدیهی است که برای اثبات اصالت یک فرهنگ و یک تمدن، ضرورتی ندارد که آن فرهنگ از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، بلکه چنین چیزی ممکن نیست.

هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، ولی سخن در کیفیت بهره‌گیری و استفاده است.

یک نوع بهره‌گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد.

اما نوع دیگر این است که از فرهنگ و تمدن دیگر تغذیه کند؛ یعنی مانند یک موجود زنده آنها را در خود جذب و هضم کند و موجودی تازه به وجود آورد.

فرهنگ اسلامی از نوع دوم است، مانند یک سلّول زنده رشد کرد و فرهنگ‌های دیگر را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجودی جدید با چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور و بروز کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است.

استاد شهید مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۱، ص ۱۷.

روابط اقتصادی با دشمنان از نگاه اسلام

اسرائیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دشمنان امت اسلامی، همواره در پی تهدید و ظلم به مسلمانان بوده است. در اسلام، برای تجارت و خریدوفروش با دیگر کشورها، به‌ویژه دشمنان، احکام خاصی مطرح شده است. احادیث اهل‌بیت(ع) بر این نکته تأکید دارند که کمک به دشمنان اسلام، چه به‌صورت نظامی و چه اقتصادی جایز نیست. به‌ویژه در شرایطی که این کمک‌ها موجب تقویت قدرت دشمنان و تهدید امنیت مسلمانان شود.

در ادامه، برخی از این روایات بیان خواهند شد تا نگاه اسلامی به این موضوع روشنتر شود.

نهی از تجارت نظامی با دشمن

در روایات اشاره شده که تجارت با دیگر کشورها، حتی اگر آن کشور از نظر عقیده با امت اسلامی همسو نباشد، به شرطی که موجب تقویت قدرت نظامی آنها نشود، اشکالی ندارد. به‌عبارت‌دیگر، اصل مجاز بودن تجارت و خریدوفروش با سایر کشورها حتی با دین و مذهب متفاوت، به‌طورکلی پذیرفته شده است، ولی درصورتی‌که این تجارت منجر به تقویت دشمن و به خطر انداختن امنیت مسلمانان و قدرت نظامی آنها شود، جایز نخواهد بود. در حدیثی آمده است: (علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر(ع)) سؤال کرد: «عَنْ حَمْلِ الْمُسْلِمِینَ إِلَی الْمُشْرِکِینَ التِّجَارَةَ قَالَ إِذَا لَمْ یَحْمِلُوا سِلَاحاً فَلَا بَأْسَ؛ [1] آیا جایز است که مسلمانان با مشرکین تجارت کنند؟ امام(ع) فرمود: اگر مسلمانان سلاح به آنها نفرستند، اشکالی ندارد.» بنابراین، در مسائل اقتصادی و تجاری با سایر کشورها، باید توجه داشت که آیا این تجارت به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم موجب تقویت توان نظامی و تهدید علیه مسلمانان خواهد شد یا خیر.

واضح است که در شرایطی که دشمنان در حال جنگ و درگیری با مسلمانان هستند و تهدید جدی به نابودی امت اسلامی دارند، هرگونه کمک به آن‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های نظامی، ممنوع است. در حدیثی آمده است: «عَنْ هِنْدٍ السَّرّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ أَصْلَحَکَ اللَّهُ إِنِّی کُنْتُ أَحْمِلُ السِّلَاحَ إِلَی أَهْلِ الشَّامِ فَأَبِیعُهُ مِنْهُمْ فَلَمَّا أَنْ عَرَّفَنِیَ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضِقْتُ بِذَلِکَ وَ قُلْتُ لَا أَحْمِلُ إِلَی أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَالَ احْمِلْ إِلَیْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ یَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَ عَدُوَّکُمْ یَعْنِی الرُّومَ وَ بِعْهُمْ فَإِذَا کَانَتِ الْحَرْبُ بَیْنَنَا فَلَا تَحْمِلُوا فَمَنْ حَمَلَ إِلَی عَدُوِّنَا سِلَاحاً یَسْتَعِینُونَ بِهِ عَلَیْنَا فَهُوَ مُشْرِکٌ؛ [2]

هند سرّاج گوید: به امام باقر(ع)عرض کردم: خداوند امور شما را اصلاح گرداند! من اسلحه سوی اهل شام می‌برم و به آنان می‌فروشم، ولی از زمانی که این امر (امامت) را شناخته‌ام از این کار دست برداشته‌ام و گفتم: برای دشمنان خدا چیزی نمی‌برم. حضرت فرمود: برای آنها اسلحه ببر؛ زیرا خداوند با این اسلحه‌ها (و به واسطه شامیان) دشمن ما و شما را- یعنی رومیان را- دفع می‌کند، اسلحه‌ها را به آنان بفروش، ولی هنگامی که بین ما و آنان جنگی درگرفت برای آنان اسلحه مبرید، زیرا اگر کسی برای دشمن ما اسلحه‌ای برد که با آن به ما ضرر برساند مشرک است.بنابر این روایت نیز، تجارت با دشمن وقتی که موجب تسلط او بر جامعه اسلامی‌شود، اشکال دارد. در قرآن کریم نیز در آیه ۱۴۱ سوره نساء: «لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً» به موضوع نادرست بودن این تسلط اشاره شده است.

با این توضیحات، وقتی دشمنی اسرائیل نسبت به امت اسلامی واضح است و این باند جنایتکار به‌طور مداوم در حال تجاوز به حقوق مسلمانان در کشورهایی مانند فلسطین و لبنان و سوریه و عراق و یمن بوده و همواره قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند، در درجه اول، معاملات نظامی و در مرحله بعد، هرگونه خریدوفروش اجناس با این دشمن کاری ناپسند و نادرست است. چراکه این خریدوفروش‌ها موجب قدرت اقتصادی و نظامی او شده و علیه کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهد.

متأسفانه برخی کشورهای مسلمان، همواره با اسرائیل، مراودات تجاری دارند و اجناس اسرائیلی به‌وفور در کشور آنها یافت شده و توسط مردم خرید می‌شود. این کار درواقع به‌نوعی به تقویت دشمن منجر می‌شود و این عمل نه‌تنها مخالف اصول اسلامی، بلکه از نظر سیاسی و اخلاقی نیز قابل پذیرش نیست.

نهی از هر نوع کمک به ظالم

در فرهنگ اهل‌بیت(ع)، کمک به کسانی که در حال ظلم به مسلمانان هستند، بشدت مورد نهی قرار گرفته است. امامان معصوم(ع)همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که حتی کوچک‌ترین اقدامی که به‌نوعی به یاری و تقویت ظالمین منجر شود، باید از آن اجتناب کرد. در حدیثی از امام صادق(ع) آمده است: «إِیّاکُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِینَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِین [3]؛ از مصاحبت عاصیان (گناهکاران) و یاری ظالمان و مجاورت فاسقان بپرهیزید.» در این روایت امام بصراحت بیان می‌کند که مسلمانان باید از همراهی با گناهکاران و کمک به ظالمان خودداری کنند. بنابراین، با توجه به اینکه خرید اجناس اسرائیلی به تقویت آنها کمک می‌کند، بر اساس آموزه‌های اهل‌بیت(ع)، این عمل بشدت محکوم است و از مسلمانان خواسته می‌شود که از آن اجتناب کنند. ظلم نه‌تنها در عمل فرد ظالم، بلکه در کمک به او و یا حتی رضایت به ظلم نیز محکوم است. امام صادق(ع) در حدیثی بسیار مهم فرموده‌اند: «الْعامِلُ بِالظُّلْمِ وَ الْمُعِینُ لَهُ وَ الرّاضِی بِهِ شُرَکَاءُ ثَلَاثَتُهُمْ [4]؛ کسی که ظلم کند، کسی که به او کمک کند و کسی که به ظلم راضی باشد، هر سه در گناه شریک هستند.» این حدیث نیز نشان می‌دهد که حتی کسانی که به‌طور مستقیم ظلم نمی‌کنند، بلکه با کمک به ظالم یا رضایت به ظلم او، از آن حمایت می‌کنند، در حقیقت در گناه او شریک خواهند شد. بر این اساس، اگر شخصی به هر نحوی به اسرائیل یا هر رژیم ظالم دیگری کمک کند، چه از طریق خرید اجناس یا هر نوع تعامل اقتصادی دیگر، در حقیقت در ظلم آنها شریک است. باید دانست که در روایات اهل‌بیت، عواقب سنگین و تبعات شدید برای یاری دادن به ظالم بیان شده است. امیرالمؤمنان(ع) در روایتی فرموده‌اند: «در روز قیامت نداهنده‌ای فریاد خواهد زد: کجاست ظالمان و یاران آنها و همدستانشان؟ تا حتی کسانی که قلمی برای آنها تراشیده و مرکبی برایشان آماده کرده‌اند. سپس همگی در تابوتی از آهن جمع خواهند شد و به جهنم پرتاب خواهند گردید.» [5] پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)نیز در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ مَشَی مَعَ ظَالِمٍ لِیُعِینَهُ وَ هُوَ یَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ [6]؛ هرکسی که به‌سوی ظالمی برود تا او را یاری کند و می‌داند که او ظالم است، از اسلام خارج شده است.»

این احادیث نشان می‌دهند که هرگونه کمک به ظالم، حتی اگر به‌صورت غیرمستقیم باشد، عواقب سنگینی خواهد داشت. طبق این روایات، کسی که به ظالم کمک کند، در حقیقت خود را از رحمت خداوند دور می‌کند. ممکن است برخی تصور کنند که خرید اجناس، درواقع کمک بزرگی به دشمن نخواهد بود؛ اما این نگرش از نظر دینی و طبق آموزه‌های اهل‌بیت صحیح نیست. حتی کمک‌های کوچک و به‌ظاهر بی‌اهمیت نیز به ظالمان محکوم است. رسول خدا (ص) در حدیثی بسیار مهم فرمود: «إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ نَادَی مُنَادٍ أَیْنَ الظَّلَمَهُ وَ أَعْوَانُهُمْ وَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاهً وَ رَبَطَ کِیساً أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّهَ قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ [7]؛ چون روز قیامت شود، یک منادی ندا دهد: کجایند ستمگران و یاران آنها؟ آن که دواتی برای آنان لیقه کرده یا سرکیسه‌ای را برای آنان بسته یا قلمی برای آنان در مرکب فروبرده است؛ پس آنان را نیز با ستمگران محشور کنید.» بنابراین حتی کوچک‌ترین کمکی که ممکن است به ظالمان در هر زمینه‌ای انجام گیرد، از دیدگاه اسلامی نه‌تنها نادرست است، بلکه موجب مشارکت در ظلم آنها می‌شود و در روز قیامت عواقب سنگینی خواهد داشت.

امام کاظم(ع) و صفوان جمّال

صفوان بن مَهران از اصحاب امام کاظم(ع) بود که شتران زیادی داشت، حضرت به او فرمود: «ای صفوان، همه چیز تو خوب و نیکو است جز یک چیز!

صفوان گفت، فدایت شوم آن یک مورد چیست؟

امام(ع) فرمود: إِکْرَاؤُکَ جِمَالَکَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ یَعْنِی هَارُونَ؛ اینکه شتران خود را به این مرد (یعنی هارون خلیفه وقت) کرایه می‌دهی. صفوان عرض کرد: وَ اللّهِ مَا أَکْرَیْتُهُ أَشَراً وَ لَا بَطَراً وَ لَا لِلصَّیْدِ وَ لَا لِلَّهْوِ وَ لَکِنِّی أَکْرَیْتُهُ لِهَذَا الطَّرِیقِ (یَعْنِی طَرِیقَ مَکَّهَ) وَ لَا أَتَوَلَّاهُ بِنَفْسِی وَ لَکِنِّی أَبْعَثُ مَعَهُ غِلْمَانِی؛ به خدا سوگند من از روی حرص و سیری و لهو چنین کاری نمی‌کنم؛ چون او به راه حج می‌رود، شتران خود را به او کرایه می‌دهم. خودم هم خدمت او را نمی‌کنم و همراهش نمی‌روم، بلکه غلام خود را همراه او می‌فرستم. امام(ع) فرمود: یَا صَفْوَانُ أَ یَقَعُ کِرَاؤُکَ عَلَیْهِمْ؟ آیا از او کرایه طلب داری؟ گفتم: فدایت شوم. آری

امام(ع) فرمود: أَ تُحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّی یَخْرُجَ کِرَاؤُکَ؟ آیا دوست داری او باقی باشد تا باقی کرایه‌ات را به تو برسد؟

گفت: آری. امام(ع) فرمود: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ مَنْ کَانَ مِنْهُمْ کَانَ وَرَدَ النَّارَ [8]؛ کسی که دوست داشته باشد بقای آنها را، از آنان خواهد بود و هرکس از آنان (دشمنان خدا) باشد، جایگاهش جهنم خواهد بود.» بر اساس این روایت، هر نوع کمک به دشمنان مذموم و ناپسند است. با این توضیح، خرید اجناس اسرائیلی یا هرگونه همکاری با رژیم‌های ظالم، حتی در مقیاس کوچک، نه‌تنها مغایر با اصول اسلامی است، بلکه از نظر دینی، فردی که چنین کمکی انجام دهد، به‌نوعی در ظلم آنان شریک خواهد بود. در یکی از روایات امام صادق(ع)، نقل شده است که فردی از یاران امام از ایشان سؤال کرد که نظر شما در مورد کمک به ظالمان در کارهایی همچون ساخت ساختمان، احداث نهر یا تعمیرات چیست؟ امام صادق(ع) در پاسخ فرمود که حتی من دوست ندارم در کوچک‌ترین کارها مانند بستن یک گره یا کشیدن قلم برای آنها مشارکت داشته باشم. ایشان تأکید کردند که یاران ظالمان در روز قیامت در خیمه‌ای از آتش خواهند بود تا خداوند میان بندگان حکم کند. [9]

امام صادق(ع) در حدیثی بسیار مهم فرموده‌اند: کسی که ظلم کند، کسی که به او کمک کند و کسی که به ظلم راضی باشد، هر سه در گناه شریک هستند. این حدیث نشان می‌دهد که حتی کسانی که به‌طور مستقیم ظلم نمی‌کنند، بلکه با کمک به ظالم یا رضایت به ظلم او، از آن حمایت می‌کنند، در حقیقت در گناه او شریک خواهند شد. بر این اساس، اگر شخصی به هر نحوی به اسرائیل یا هر رژیم ظالم دیگری کمک کند، چه از طریق خرید اجناس یا هر نوع تعامل اقتصادی دیگر، در حقیقت در ظلم آنها شریک است.

در فرهنگ اهل‌بیت(ع)، کمک به کسانی که در حال ظلم به مسلمانان هستند، بشدت مورد نهی قرار گرفته است. امامان معصوم(ع)همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که حتی کوچک‌ترین اقدامی که به‌نوعی به یاری و تقویت ظالمان منجر شود، باید از آن اجتناب کرد.

نتیجه‌گیری

اسرائیل از بزرگ‌ترین دشمنان امت اسلامی است. در روایات اسلامی به‌طور قاطع و روشن آمده است که هرگونه کمک نظامی به دشمنان مسلمانان، ممنوع است. وقتی کشورهای اسلامی با اسرائیل مراودات اقتصادی برقرار می‌کنند، به‌طور غیرمستقیم به تقویت قدرت اقتصادی و نظامی این دشمن کمک می‌کنند. چنین اقداماتی که باعث تقویت توان نظامی دشمنان اسلام می‌شود، برخلاف تعالیم اسلامی است و نمی‌تواند پذیرفته شود. علاوه‌بر این، در احادیث اهل‌بیت(ع)، کمک به ظالم بشدت مورد نهی قرار گرفته است. خرید اجناس اسرائیلی، هرچند که در ظاهر کم‌اهمیت باشد، درواقع به تقویت دشمنان اسلام و یاری رساندن به آنها منجر می‌شود. در تعالیم اسلامی تأکید شده که حتی کوچک‌ترین کمک‌ها به ظالمان هم مورد نهی است. بنابراین، خرید اجناس اسرائیلی یا هر کشور ستمگر دیگر وهر نوع مراوده تجاری و اقتصادی با آنها به‌وضوح مغایر با آموزه‌های اسلامی است و مسلمانان باید از آن اجتناب کنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، محقق / مصحح: مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق، ص۱۷۶، ح ۳۲۰. ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۱۱۲، ح ۲. ۳. همان، ج۸، ص۱۶، ح ۲. ۴. همان، ج۲، ص۳۳۳، ح ۱۶. ۵. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب،محقق / مصحح: ندارد، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۱۸۶. ۶. طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الأنوار، محقق/ مصحح: ندارد، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق، ص۳۱۵. ۷. إبن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، محقق/مصحح: ندارد، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق، ص۲۶۰. ۸. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی- إختیار معرفه الرجال، محقق/مصحح: طوسی، محمد بن الحسن / مصطفوی، حسن، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق، ص۴۴۱. ۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی‌اکبر و آخوندی، مح